

تصویر حکومت در ادبیات داستانی ایران، ۱۳۲۰-۱۳۰۰

مهدی نصر^{۱*}، محمودرضا مقدم‌شاد^۲

^۱ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام‌نور، شهرکرد

^۲ دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

چکیده

از کودتای اسفند ۱۲۹۹ تا ورود نیروهای متفقین به ایران به تدریج نوع جدیدی از حکمرانی شکل گرفت که بر مبنای تصویری از حکومت استوار بود که ایده‌های آن نه تنها در گفتمان جاری میان جریان‌های سیاسی گوناگون، بلکه در یقینات زندگی روزمره مردم بازتاب می‌یابد. پرسش‌های پژوهشی این مقاله عبارت‌اند از: ۱. آیا این حکمرانی جدید براساس تصویر معینی از حکومت شکل گرفته است که در جهان‌بینی دوران و یقینات زندگی روزمره مردم عادی ریشه دارد؟ ۲. چه عوامل مهمی در عرصه‌های گوناگون تصویر حکومت را شکل داده‌اند؟ ۳. تا چه حد ردپای این تصویر در ادبیات داستانی این دوره آشکار است؟ فرضیه اصلی این است که دولت مدرن در دوره پهلوی اول براساس تصویری از حکومت شکل گرفته که ریشه در یقینات زندگی روزمره مردم ایران داشته است؛ و دوگانگی‌هایی نظیر اقتدارگرایی/مردم‌سالاری را در عرصه‌های گوناگون نمایان می‌سازد که در ادبیات داستانی این دوره مشاهده می‌شود. در این مقاله، با عنایت به روش تحلیل شخصیت‌های تپیک در جامعه‌شناسی رمان جرج لوکاک و چارچوب نظری جامعه‌شناسی معرفت مانهایم، چگونگی این انتظارات و ایده‌های مرتبط با حکومت در رمان‌ها و داستان‌های اجتماعی ایران در دوره زمانی ۱۳۲۰-۱۳۰۰ بررسی می‌شود. بررسی ادبیات داستانی این دوره به واکاوی و رمزگشایی از برخی جنبه‌های پنهان اما مؤثر بر شکل‌گیری و بازسازی حکومت در عرصه‌های گوناگون سیاست داخلی، سیاست خارجی، سیاست اقتصادی و نیز سیاست فرهنگی (جهان‌بینی) یاری می‌رساند که به ترتیب در دوگانگی‌هایی مانند اقتدارگرایی/مردم‌سالاری، استقلال/الگوپردازی، منافع عمومی/مالکیت خصوصی و در نهایت دوگانگی ارزشی-هنجاری مسئله‌پردازی می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتدارگرایی، جامعه‌شناسی رمان‌ها، داستان‌های ایرانی، دولت مطلقه، وجوه اتویایی و ایدئولوژیک

* نویسنده مسئول، رایانامه: mahdinasr@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۸ آبان ۱۳۹۵، تاریخ تصویب: ۳ آبان ۱۴۰۰

۱. مقدمه

با ورود نیروهای قزاق به تهران در سوم اسفند ۱۲۹۹، دور تازه‌ای از تحولات سیاسی ایران آغاز شد. استقرار دولت مطلقه به زمامداری رضاشاه پهلوی اگرچه در تضاد با آرمان‌های آزادی‌خواهانه و دموکراتیک نهضت مشروطه بود، در ابتدای کار مورد حمایت بخش اعظمی از روشنفکران و نویسندگان قرار گرفت. دلیل حمایت گسترده از دولت جدید را باید همزمان در اوضاع اجتماعی جامعه ایران در سال‌های پایانی حکومت قاجار و نیز انتظارات مردم و نخبگان جامعه از حکومت جست‌وجو کرد. در این مقاله، جهان‌بینی غالب این دوران تاریخی که در قالب یقینات زندگی روزمره، تصویر معینی از حکومت را نشان می‌دهد، بررسی می‌شود. پرسش‌های پژوهش حاضر را می‌توان این‌گونه طرح کرد: نخست، آیا این حکمرانی جدید براساس تصویر معینی از حکومت شکل گرفته است که در جهان‌بینی دوران و یقینات زندگی روزمره مردم عادی ریشه دارد؟ دوم، چه عوامل مهمی در عرصه‌های گوناگون تصویر حکومت را شکل داده‌اند؟ در نهایت، تا چه حد ردپای این تصویر در ادبیات داستانی این دوره آشکار است؟ فرضیه اصلی این است که دولت مدرن در دوره پهلوی اول براساس تصویری از حکومت شکل گرفته که ریشه در یقینات زندگی روزمره مردم ایران داشته است و دوگانگی‌هایی مانند اقتدارگرایی/مردم‌سالاری در عرصه‌های گوناگون را نمایان می‌سازد که در ادبیات داستانی این دوره مشاهده می‌شود. در پایان، خواننده ملاحظه می‌کند که ادبیات داستانی این دوره تصویری از حکومت را بازتاب می‌دهد که می‌تواند چگونگی شکل‌گیری دولت مدرن و سیاستگذاری‌های آن در عرصه‌های گوناگون را نشان دهد، اگرچه مطابق فرضیه پژوهشی تضادهایی را نیز در دل خود به نمایش می‌گذارد.

زندگی روزمره و واقعیت‌های مرتبط با روابط اجتماعی که بستر اصلی شکل‌گیری باورها و اعتقادهای توده مردم نسبت به حکومت است، در رمان‌ها و داستان‌های اجتماعی انعکاس می‌یابد. اگرچه شخصیت‌ها و موقعیت‌های داستانی حاصل تخیل نویسنده است، تجربه‌ها بی‌واسطه او از جامعه و مردم عادی کوچه و بازار در صورت‌بندی نهایی روایت او نقشی تعیین‌کننده دارد. هدف از نگارش این مقاله بررسی ابعاد گوناگون تصویر حکومت در ایران بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ به‌واسطه مطالعه و تحلیل ادبیات داستانی است. اهمیت این دوره در تاریخ ایران که بررسی آن را ضرورت می‌بخشد، تولد دولت مدرن است که نه تنها از نظر گستره حکمرانی، بلکه از نظر نوع حکمرانی از نمونه‌های پیشین خود متمایز می‌شود. افزون‌بر این، مقطع تاریخی بررسی‌شده سرآغاز ادبیات داستانی در معنای مدرن در قالب رمان و داستان کوتاه نیز است. بدین‌ترتیب، آثار نویسندگان برجسته این دوره که نه تنها به‌واسطه ترسیم واقع‌گرایانه از اوضاع و احوال این سال‌ها ماندگار شده، بلکه بیشترین تأثیر را بر کنشگران

حاضر در عرصه سیاسی گذاشته است، براساس نظریه جامعه‌شناسی معرفت و جامعه‌شناسی رمان تحلیل می‌شود. در نتیجه، ایده‌های مشترکی در مورد حکومت حاصل می‌شود که تمامیت تصویر حکومت را در این مقطع تاریخی نمایان می‌سازد.

۲. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

داستان‌نویسی همانند سایر هنرها واجد دوگانگی‌ای در ساختار و محتوای خویش است: تجربه پیشین و خلاقیت آفریننده اثر. نویسنده رمان یا داستان کوتاه از یک سو میراثی از گذشته را با خود حمل می‌کند و از سوی دیگر، افق‌هایی تازه را پیش روی مخاطبان خویش می‌گشاید. بنابراین، در هر نوشته تقابلی میان آنچه هست و آنچه می‌تواند باشد، وجود دارد. بی‌شک این دو جنبه در سطوح گوناگونی همانند ساختار زبانی، شکل روایت داستانی، شخصیت‌پردازی و توصیف روابط اجتماعی چنان درهم‌تنیده و ممزوج‌اند که در عمل تفکیک و بررسی جداگانه آنها در متن دشوار به‌نظر می‌رسد. با این حال برای پژوهشگری که از منظر جامعه‌شناختی به آثار ادبی یک دوره تاریخی نگاه می‌کند، چنین تفکیکی از نظر روشی سودمند خواهد بود.

جامعه‌شناسی رمان با این پرسش کار خود را آغاز می‌کند که آثار داستانی دوره‌ای معین تا چه اندازه می‌توانند بازتاب‌دهنده واقعیت‌های اجتماعی یک جامعه باشند. به گفته میشل زرافا^۱ جامعه‌شناسی رمان ما را قادر می‌سازد که از راه ادبیات یا همان محصولات رسمی ادبی، تاریخ یک جامعه را بازخوانی و بازسازی کنیم (زرافا، ۱۳۶۸: ۱۱۳). با این اوصاف، تمرکز صرف بر یکی از دو جنبه مورد اشاره، یعنی زمینه‌های اجتماعی که نویسنده در بستر آنها فعالیت می‌کند و خلاقیت نویسنده در پدید آوردن جهانی نو ورای واقعیت‌هایی که او را احاطه کرده است، به‌تنهایی چاره‌ساز نیست. مطابق پیش‌فرض واقع‌گرایی^۲ در چارچوب جامعه‌شناسی رمان جرج لوکاج^۳، بسیاری از جنبه‌های واقعیت بدون آنکه مورد تأیید و توجه خالق اثر باشد، لابه‌لای سطور قابل کشف و رمزگشایی است؛ درست همان‌گونه که رؤیاها و آرزوهای وی بازتابی از خاستگاه طبقاتی و منازعه‌های آشکار و پنهان در عرصه سیاسی-اجتماعی جامعه است. با عنایت به این توضیحات و با الهام از الگوی روشی جامعه‌شناسی معرفت کارل مانهایم از دو مفهوم وجه ایدئولوژیک و وجه اتوپیا برای تحلیل استفاده می‌کنیم. پیش‌فرض اصلی جامعه‌شناسی معرفت این است که میان ایده‌ها از یک سو و منافع و موقعیت گروه‌های اجتماعی از سوی دیگر پیوندی گسست‌ناپذیر وجود دارد (کنولاخ، ۱۳۹۴: ۲۲). بدین ترتیب، همان‌گونه که گروه‌ها و جریان‌های سیاسی-اجتماعی با عنایت به جایگاه و منافع طبقاتی خود

1. Michel Zérafra

2. Realism

3. György Lukács

یکی از دو هدف حفظ وضع موجود یا تغییر وضع موجود را تعقیب می‌کنند، ایده‌ها نیز می‌توانند به‌ترتیب خاصیتی ایدئولوژیک یا اتوپایی داشته باشند. رمان‌ها به‌دلیل مبنای دوگانه‌ای که دارند، یعنی اثرگذاری پنهان تجربه‌های پیشین نویسنده از جامعه و خلاقیت هدفمند او، مجموعه‌ای از ایده‌های متعارض را در برمی‌گیرند که شامل خصلت ایدئولوژیک و اتوپایی می‌شود.

رابطه متقابل نویسنده و جامعه در اینجا اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. به همان اندازه که نویسنده در آفرینش یک داستان متأثر از شرایط محیط اجتماعی خویش است، نحوه بازنمایی تصویر جامعه توسط او می‌تواند در تحول ایده‌ها و تصورات مخاطبان تأثیرگذار باشد. با این حال قصد ما مطالعه موردی یک یا چند رمان معین نیست، بلکه جریان کلی حاکم بر ادبیات داستانی یک دوره را بررسی خواهیم کرد. چنین پژوهشی به پیروی از مانهایم می‌تواند شیوه تفکر یک جریان ادبی یا یک گروه اجتماعی را در تمامیت آن نمایان سازد (مانهایم، ۱۳۸۰: ۳۷). بی‌شک، چنین پژوهشی با بررسی هرچه بیشتر متن‌های گوناگون و رویه غالب بر داستان‌نویسی در بازه زمانی مشخص پربارتر خواهد شد. مقایسه شخصیت‌های تیپیک نویسندگان در رمان‌های مختلف و بررسی خطوط اشتراک و خصوصیات مشابه این شخصیت‌ها به بازخوانی و رمزگشایی جریان‌های اجتماعی، تضادها و منافع طبقاتی و در کل بستر مشترکی از عمل و تجربه که یقینات زندگی روزمره ما را می‌سازد، یاری می‌رساند (لوکاچ، ۱۳۸۷: ۱۲۱). منظور از یقینات زندگی روزمره مجموعه اعتقادات و باورهای مشترک در سطح بیناسوژگی^۱ است که در نتیجه تکرار و رسوب‌گذاری عادت‌ها و تجربه‌های پیشین جمعی از مردم شکل می‌گیرد و تصویر کلی «جهان ما» را نشان می‌دهد (معینی‌علمداری، ۱۳۹۴؛ مقدم‌شاد، ۱۳۹۶). اهمیت یقینات در این است که اغلب به‌صورت ناخودآگاه مبنای عمل افراد را یا دقیق‌تر بگوییم نوع التفات و قصدمندی^۲ آنها را نسبت به محیط اجتماعی و جهان پیرامون صورت‌بندی می‌کند. تمرکز ما در اینجا بر رمان‌ها و داستان‌های کوتاه اجتماعی است که ورای حوادث دراماتیک و ماجراهای گوناگون، سرگذشت شخصیت‌های داستان را در جدال با ساختارهای سیاسی و اجتماعی نشان دهد. این شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی که در آنها قرار می‌گیرند، همان‌گونه که لوکاچ اشاره می‌کند (لوکاچ، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۳)، بیش از آنکه خصلتی انتزاعی داشته باشند، خصلتی تیپیک یا سِنَخی دارند که در تمامیت خود، عینیت و پیچیدگی روابط اجتماعی را همان‌گونه که هست، نمایش می‌دهند. در آخر برای سهولت در بازشناسی جلوه‌های گوناگون این ایده‌های فراگیر، به پیروی از استاد شادروان (فیرحی، ۱۳۹۳: ۲۶۶-۲۱۸) جنبه‌های

1. Intersubjectivity
2. Intentionality

مختلف تصویر حکومت را در چهار عرصه سیاست داخلی، سیاست خارجی، سیاست اقتصادی و نیز سیاست فرهنگی (جهانبینی) جداگانه تحلیل خواهیم کرد. هر یک از این عرصه‌ها پرسشی محوری را در رابطه با حکومت طرح می‌کند که البته پاسخ آن بنا بر رویه حاکم بر فرهنگ سیاسی جامعه و تصویری که از کارویژه‌ها و محدوده فعالیت حکومت وجود دارد، داده می‌شود.

اگرچه تحلیل جامعه‌شناسانه ادبیات داستانی در ایران پژوهشی نوپا به‌شمار می‌آید، اقبال به آن رو به افزایش است. در دهه گذشته پایان‌نامه‌های دکتری (مقدم‌شاد، ۱۳۹۶) و نیز مقاله‌هایی در این زمینه تهیه و منتشر شده‌اند، مانند کالیراد (۱۳۹۳)، افضل‌ی و قاسمی (۱۳۹۴)، ابراهیمی و دهیمی‌نژاد (۱۳۹۹) که در کار خود به ترتیب از تحلیل روان‌شناختی، جامعه‌شناسی رمان و در نهایت تحلیل گفتمان فوکویی استفاده کرده‌اند. وجه تمایز این مقاله، افزون‌بر چارچوب نظری و روش نوین آن در تحلیل محتوا، نوعی جریان‌شناسی ادبیات داستانی است که بخشی از جهانبینی سیاسی-اجتماعی این دوران تاریخی را بازتاب می‌دهد.

۳. تصویر حکومت در سیاست داخلی: اقتدارگرایی پدرسالارانه

صحنه سیاسی ایران در سال‌های متج به کودتای ۳ اسفند همان‌گونه که در آثار داستانی این سال‌ها به‌خوبی نمایش داده می‌شود، دستخوش هرج‌ومرج، فساد، انفعال در تصمیم‌گیری سیاسی و نادیده گرفتن منافع عمومی، و نیز چرخش نخبگان سیاسی و پیدایش شماری از «رجال سیاسی» تازه‌به‌دوران رسیده است. جمال‌زاده در داستان‌های کوتاه و بلند خود تیپ چنین افرادی را در قالب شخصیت‌هایی همانند حاج علی (رجل سیاسی)، ملت‌خواه (راه آب‌نامه) و قاتلشن دیوان در داستانی به همین عنوان نشان می‌دهد. ویژگی اصلی تمام این شخصیت‌ها آشنایی با قواعد بازی سیاسی است. نویسنده به‌جای تمرکز بر اخلاق فردی و خصلت‌های روان‌شناختی آنها، بستر جامعه‌شناختی فضای سیاسی حاکم را به‌منابه عامل اصلی پیدایش چنین شخصیت‌هایی تصویر می‌کند. در این محیط نه سواد و علم، نه تجربه و مهارت، و نه حتی جایگاه و منزلت اجتماعی ضرورتی برای رجل سیاسی شدن نیست (جمال‌زاده، ۱۳۲۰: ۴۸-۴۷). ف...السلطنه پدر مهین و علی‌رضاخان بازپرس از شخصیت‌های اصلی رمان تهران مخوف نیز اشخاصی هستند که با بازی‌خوانی و درک درستی که از شرایط سیاسی مملکت دارند، سودای وکالت مجلس و وزارت را در سر می‌پرورانند. علی‌رضاخان با شناخت کامل شرایط سیاسی و برگزاری جلسات پنهانی با عده‌ای از هم‌مسلمانان علیه دولتمردان توطئه‌چینی و برنامه‌های بلندپروازانه‌اش را در فضای جدید پس از کودتا پیگیری می‌کند (مشفق کاظمی، بی‌تا: ۸۳-۸۲).

نکته قابل تأملی که بارها در حاشیه رمان *تهران* مخوف به چشم می‌خورد، هم‌نوایی عده‌ای از افراد اغلب سالخورده طبقات فروتر جامعه با شاهزادگان و درباریان سلسله قاجار در دشمنی با مشروطه‌خواهان و آرزوی «دوران طلایی» شاه شهید و استبداد صغیر است (مشفق کاظمی، بی‌تاریخ: ۲۱۰، ۱۱۰-۱۰۸). چنین موضع‌گیری علیه «آزادی‌خواهان» و رویه سیاسی جدید البته با توجه به وخیم‌تر شدن وضعیت زندگی طبقات فروتر در شهر و دهقانان در روستا قابل درک است. اگرچه الگوی اقتدارگرایانه دولت جدید فرسنگ‌ها با ایده‌ها و آرمان‌های نهضت مشروطه فاصله داشت، تصویر برآمده از خواست و انتظارات مردم چنین حکومتی را طلب می‌کرد تا بتواند نظم و امنیت پیشین را بار دیگر برقرار سازد. با وجود این، برنامه‌های سیاسی دولت جدید از همان آغاز مسیر متفاوتی را پیش گرفته بود و ابعاد گسترده‌ای را شامل می‌شد. در دهه ابتدایی سده جدید شاهد رشد چشمگیر شهر و شهرنشینی با مرکزیت پایتخت هستیم که با تورم و گسترش اداره‌ها و وزارتخانه‌های دولتی همراه است. محمد حجازی در رمان معروف خود *زیبا* از یک سو به تمرکز بوروکراسی در مرکز، و از سوی دیگر به فساد و ناکارآمدی نهادهای اداری تحت امر حکومت می‌پردازد. راوی و قهرمان داستان که بلندپروازی‌اش او را از مزینان به تهران کشانده است، در نخستین رویارویی با وزیر از احترام و تکریم او در میان مردم شگفت‌زده می‌شود. او به‌زودی درمی‌یابد که برای دستیابی به چنین مقام و منزلتی قواعد و زبان خاصی لازم است (حجازی، ۱۳۴۰: ۴۷-۴۸). این اقتدارگرایی و شیوه حکمرانی تمرکزگرا و از بالا به پایین جلوه‌ای پدرسالارانه دارد، زیرا شناخت و رعایت منافع مملکت و رعایا تنها از بزرگان برمی‌آید: «شما به این کوچکی خود را پدر و قیم دولت می‌دانید و از منافع مملکت دفاع می‌کنید، از شما بزرگ‌تر هم هست، این حرف‌ها به شما نیامده» (حجازی، ۱۳۴۰: ۱۱۶). نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که اقتدارگرایی پدرسالارانه تنها محدود به سیاست‌ها و نهادهای زیرمجموعه حکومت نمی‌شود، بلکه در سطوح مختلف جامعه به اشکال گوناگون نمود می‌یابد. در واقع، درست به دلیل تداوم این رویه در الگوهای رفتاری و یقینات زندگی روزمره مردم است که اقتدارگرایی، مرکزمحوری و پدرسالاری در تصویر حکومت بازتولید و تثبیت می‌شود. اهمیت این مسئله از نگاه برخی از برجسته‌ترین نویسندگان این دوره، یعنی صادق هدایت و بزرگ علوی دور نمانده است. در آثار این دو فضای امنیتی و ترس و خفقان حاکم بر عرصه سیاسی همزمان با انفعال و ناآگاهی توده مردم از سرنوشت خود و جامعه تصویر می‌شود. برای مثال، هدایت در اثر مشهور خود *بوف کور* در عین حال که ترس و اضطراب دائمی راوی را از دستگیری و اعدام به دست داروغه‌های شهر نشان می‌دهد (دستغیب، بی‌تا: ۱۰۲)، هرگز نفرت و بی‌زاری خود را از تن‌پرستی و دثانت طبع عوام و قدرت‌پرستی چاکرانه آنها پنهان نمی‌کند (هدایت، ۱۳۵۶: ۶۹، ۵۱-۵۲، ۴۶). یکی

از مسائلی که هدایت در آثار گوناگون خود به‌خوبی زوایای مختلف آن را نشان می‌دهد، وضعیت ناگوار زنان در طبقات فروتر جامعه است. برای نمونه در داستان *زنی که مردش را گم کرد*، آنچه بیش از خودآزاری بیمارگونه (مازوخیزم) زرین‌کلاه اهمیت دارد، محدودیت‌ها و فشارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه است که او را وادار به جست‌وجو و تعقیب شوهر خیانتکار و بی‌وفای خود در شهر غریب می‌کند. در واقع کوتاه‌فکری و ساده‌اندیشی زرین‌کلاه را باید در طول ذهنیت حاکم بر جامعه درک کرد.

بزرگ علوی نیز در داستان «یک زن خوشبخت» در مجموعه داستان *گیله‌مرد* دست به کاری مشابه می‌زند. وی آزادی و اختیار قهرمان داستان را در انتخاب سرنوشت و شوهر آینده‌اش به شیوه‌ای شرح می‌دهد که یادآور تراژدی حاکمیت ملت ایران بر سرنوشت خود در دوران پس از مشروطه است. *قدس‌خانم* در نظر اطرافیان زنی خوشبخت است، زیرا در نبود سایه اقتدار پدر می‌تواند برخلاف خواهرانش شوهر دلخواه خویش را آزادانه انتخاب کند. با این حال، در اثر فشار خانواده مجبور به تعجیل در انتخاب خود شده و بی‌خبر از همه جا تن به ازدواج با شوهری می‌دهد که شناخت درستی از او ندارد (دستغیب، ۱۳۵۸: ۹۷-۹۸). نکته قابل تأمل در این داستان فشار و محدودیت بر انتخاب و آزادی *قدس* از سوی خانواده است که در غیبت پدر مقتدر و مستبد همچنان حضور خود را تحمیل می‌کند (علوی، ۱۳۸۳: ۱۵۰). در اینجا، آنچه تداوم فرهنگ پدرسالارانه را تضمین می‌کند، نه حضور دائمی پدری مقتدر، بلکه بازتولید فرهنگ پدرسالارانه در خانواده و جامعه است. بی‌شک، رمان «چشم‌هایش» برجسته‌ترین اثر علوی در توصیف اوضاع و احوال سیاسی ایران در دهه دوم حکومت رضاشاه است. در همان سطور ابتدایی رمان نویسنده توصیفی از اوضاع خفقان‌آور پایتخت و ترس و واهمه مردم از مأموران و خبرچینان ارائه می‌دهد. چنین فضای استبدادزده و پلیسی همراه با ظاهرسازی حکومت در امر نمایش دستاوردها و پیشرفت‌های خود فضایی از بی‌اعتمادی متقابل را میان مردم از یک‌سو و دولت از سوی دیگر به‌وجود آورده است (علوی، ۱۳۹۱: ۱۰). در توصیف تابلوی «جشن کشف حجاب» نویسنده به ترسیم ابعاد مردسالاری (علوی، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۴) و در تابلوی «خانه‌های رعیتی» به شرح سیاست‌های فرمایشی و ظاهری حکومت دست می‌زند (علوی، ۱۳۹۱: ۶۱-۵۳). در چنین شرایطی از یک سو گروهی از افراد تحصیل‌کرده و روشنفکر همچون استاد ماکان و خداداد برای آگاه‌سازی توده مردم و سرنگونی دولت وقت تلاش می‌کنند؛ و از سوی دیگر شخصیتی همانند سرهنگ آرام، تنها به دنبال منافع شخصی خود است و مردم را لایق چنین وضعیتی می‌داند (علوی، ۱۳۹۱: ۲۲۸)؛ هرچند نقطه اشتراک میان این دو گروه انتقاد صریح آنها نسبت به ناآگاهی و خوی استبدادزده توده مردم است.

تحول اصلی در هنر داستان‌نویسی پس از مشروطه اهمیت یافتن فردیت از یک سو، و امور انسانی و اجتماعی در مقابل تقدیرگرایی از سوی دیگر است. در این دوره جست‌وجو برای یافتن علل ناکامی‌های اجتماعی، یعنی ظلم و بی‌عدالتی، فقر و جهل در جامعه نه به‌مثابه امری طبیعی یا تقدیری آسمانی، بلکه همچون امری اجتماعی در دستور کار قرار می‌گیرد (مسکوب، ۱۳۸۶: ۱۲۶). نکته جالب توجه در آرمان‌شهرگرایی نویسندگان این دوره در زمینه سیاست داخلی غلبه انتقاد از کردار و رفتار حاکمان وقت نسبت به تلاش برای ارائه نظامی بدیل در مقابل اقتدارگرایی حاکم است. به‌عبارت دیگر، تصویر حاکم عادل و مقتدر که بتواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن بر مشکلات جامعه فایق آید و کشور را در مسیر پیشرفت و توسعه قرار دهد، مطلوبیت ویژه‌ای دارد. برای مثال، مشفق کاظمی تنها راه دستیابی به تحول و اصلاح امور سیاسی-اجتماعی را پیروی و اطاعت از رهبری مصلح و عادل می‌داند که بیش از خود مردم به خیر و مصلحت ایشان وقوف داشته باشد (مشفق کاظمی، بی‌تا: ۲۲۶) که الگویی اقتدارگرایانه از حکومت را نشان می‌دهد.

توجه به واقعیت‌هایی همچون ناامیدی گسترده از اصلاح اخلاق و رویه‌های غلط اجتماعی و نیز شکاف میان روشنفکران و توده مردم می‌تواند به فهم چرایی روی آوردن نویسندگان این دوره به دولتی مقتدر و پیشرو برای اصلاح امور کشور کمک کند. در پایان داستان «راه‌آب‌نامه» طی بحث و جدلی که میان راوی و قهرمان داستان در می‌گیرد، جمال‌زاده نظرهای خود را درباره اوضاع نابسامان جامعه با صراحت بیشتری بیان می‌کند (جمال‌زاده، بی‌تا: ۲۸-۱۱۸). اهمیت این مباحثه پایانی زمانی آشکار می‌شود که بدانیم هدف نویسنده از روایت سرنوشت روح‌الله نشان دادن این واقعیت است که چرا هیچ‌کس برای حل مشکلات حیاتی و معیشتی جامعه کمکی نمی‌کند و زیر بار مسئولیت نمی‌رود. شاید صادق هدایت در این میان موردی استثنایی باشد که خارج از جریان غالب روشنفکری قلم می‌زد. او همواره شدیدترین نقدهای ممکن را نسبت به باورها و سنت‌هایی وارد می‌کند که به گمانش سبب عقب‌ماندگی و نگون‌بختی مردم شده‌اند. با این حال، وجه بارز شخصیت هدایت به‌مثابه نویسنده‌ای اجتماعی، پرهیز از جهت‌گیری در مسائل روز سیاسی و انزوای نسبی از جامعه بود.

از سوی دیگر، برخی نویسندگان که دغدغه اصلی خود را مسائل و مشکلات عینی توده مردم عنوان می‌کنند، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم نقش راهبری و آگاه‌سازی توده را به روشنفکران «واقعی» می‌دهند. نمونه چنین رویکردی درباره تقدم فکری و عملی روشنفکران نسبت به جامعه را در روایت سرنوشت قهرمانان داستان‌های گل‌هایی که در جهنم می‌رویند مسعود و چشم‌هایش علوی می‌توان مشاهده کرد. جنبه قابل تأمل در زمینه نقش روشنفکران در جامعه تداوم رویه خیرخواهی بزرگ‌منشانه و اقتدارگرایی پدرسالارانه است. در رمان

چشم‌هایش بر خورد استاد ماکان و نیز شاگرد مبارز او خداداد با فرنگیس و نیز دلسوزی بالادستی آنها نسبت به توده فقیر و نادان ملت به‌خوبی بازتاب‌دهنده این نکته است که تفاوت رویکرد آنها با نویسندگان طرفدار دولت وقت، تفاوت در اهداف و نه در ابزارها و رویه‌های عمل است. در انتهای داستان، فرنگیس برای اقتناع سرهنگ آرام در مورد همکاری و آزادسازی استاد نقاش، سخنانی را به زبان می‌آورد که می‌توان آن را حرف‌ها و ایده‌های خود علوی دانست (علوی، ۱۳۹۱: ۲۴۶). اگرچه در ظاهر علوی از اراده ملت و آزادی‌خواهی و نقش توده مردم در تغییر اوضاع کشور صحبت می‌کند، در واقع به توده مردم همچون سرمایه‌ای خفته نگاه می‌کند که باید در زیر عَلم روشنفکران بسیج شوند، و در جهت اهداف از پیش تعیین‌شده حرکت کنند.

۴. تصویر حکومت در سیاست اقتصادی: دولت متولی منافع عمومی

فقر و فاصله میان اغنیا و فقرا پیش از این به‌مثابه پدیده‌ای طبیعی که ناشی از تفاوت استعدادها یا به اقتضای مصلحت و امتحان الهی بود، درک می‌شد. با این وجود، با دخالت بی‌سابقه دولت در امور اجتماعی و زندگی روزمره مردم و نیز ورود فناوری جدید (ماشین) به عرصه کار و تولید (کشاورزی و صنعت) که خود به بروز تحولاتی همچون کاهش نیاز به نیروی کار دهقانان، سکونت اجباری عشایر، گسترش شهرنشینی، افزایش تعداد اداره‌ها و کارمندان دولتی و تغییر در نظام تجارت و بازار انجامید، از این پس فقر همچون پدیده‌ای اجتماعی شناخته می‌شد که در ارتباط مستقیم با سیاست‌گذاری‌های دولت و نوع حکمرانی مرتبط با اقتصاد قرار می‌گرفت. تثبیت جایگاه دولت به‌مثابه بزرگ‌ترین کارگزار در عرصه اقتصاد ملی، افزایش فساد و رشوه‌خواری را به‌ویژه در اداره‌ها و نهادهای زیرمجموعه حکومت در پی داشت.

یکی از مضامین اصلی رمان دوجلدی مشفق کاظمی پرداختن به شکاف طبقاتی، فقر، فساد و فحشا در میان اعضای طبقات فروتر جامعه است. او در جای جای داستان از توصیف شخصیت جواد نوکر فرخ گرفته تا دهقانان پرتلاش و مهمان‌نواز روستا (مشفق کاظمی، بی‌تاب: ۱۳۳-۱۳۴)، باور و اعتقاد قلبی‌اش به سرشت پاک مردم زحمت‌کش و فقیر جامعه را نشان می‌دهد. تداوم وضع اقتصادی موجود تا حدود زیادی ناشی از حضور سیاستمداران فاسد در رأس حکومت است که برای حفظ منافع انحصاری، رانت‌خواری و چپاول اموال عمومی با بازاریان رباخوار و آخوندهای حامی آنها از یک سو و زمین‌داران و مالکانی که خود را صاحب آرای رعایای خویش می‌دانند، از سوی دیگر پیوند برقرار می‌کنند (مشفق کاظمی، بی‌تاب: ۱۳۵). بزرگ علوی نیز در بخش نخست رمان «سالاری‌ها» تصویری را از روابط دهقانان و مالکان در سال‌های قحطی نشان می‌دهد. خان‌سالار که گندم‌هایش را همانند احمدشاه برای سود بیشتر

احتکار می‌کند، برای فرونشاندن شورش عشایر لر به راحتی دستور می‌دهد که چوبه دار برپا و چند نفر از مردم بی‌گناه روستا را برای زهرچشم‌گیری اعدام کنند (علوی، ۱۳۵۷: ۵۷-۵۸).

در پی چنین تجربه‌های ناگواری از قحطی و مرگ در سال‌های بعد مسائلی همچون فقر و تبدیل شدن پول به معیار سنجش جایگاه اجتماعی افراد به موضوع اصلی بسیاری از داستان‌ها و رمان‌های این دوره بدل می‌شود. محمد مسعود که پیش از این شیوع وبا و مرگ را در داستان بهار عمر به تصویر کشیده بود، این بار در رمان *تفریحات شب* مسئله پول‌پرستی، فقر و فاصله طبقاتی را از زبان معلم مدرسه طرح می‌کند. از یک سو، سیاستگذاری‌های حکومت به دلیل نفوذ ثروتمندان و اولویت یافتن منافع اشخاص نسبت به منافع عمومی راه به جایی نمی‌برد؛ و از سوی دیگران تحصیل کرده‌ها و روشنفکران جامعه که می‌توانند کارگزاران اصلی تغییر و اصلاح امور باشند، برای گذران زندگی چاره‌ای جز کارمندی در اداره‌ها و اشتغال به مشاغل دولتی ندارند. در غیبت روشنفکران، این تاجران و کاسبان هستند که با شناخت کامل اوضاع و درک بی‌واسطه خود از قواعد و یقینات جاری در زندگی روزمره به کسب ثروت مشغول‌اند و به روشنفکران و محصلان «مدعی» درس زندگانی می‌دهند (مسعود، ۱۳۸۴: ۸۹ و ۹۸)!

حضور بی‌سابقه دولت و نهادهای زیرمجموعه آن در اقتصاد در عمل تولید و تجارت را در بخش‌های متعددی از بازار به انحصار حکومت درمی‌آورد. چنین سیاست‌هایی بر مبنای این پیش‌فرض استوار بود که تمرکز و مدیریت دولتی در اقتصاد همانند سیاست نه‌تنها می‌تواند چاره‌ای برای هرج‌ومرج و بی‌نظمی موجود باشد، بلکه پیشرفت و رشد اقتصادی کشور را تضمین می‌کند. برای نمونه علوی در رمان «چشم‌هایش» ماجرای تصاحب زمین‌های کشاورزی خرده‌مالکان و برخی زمین‌داران بزرگ مازندران را به بهانه تمرکز مالکیت در جهت ارتقای منافع عمومی نقل می‌کند (علوی، ۱۳۹۱: ۱۵۵).

دغدغه‌های اصلی نویسندگان این دوره در عرصه اقتصاد ملی با نقش دولت در حل مشکلات جاری جامعه گره خورده است. مسئله برنامه‌ریزی برای پیشرفت و تحول اقتصادی و نیز بازسازی زیرساخت‌های کشور به‌طور مستقیم با صورت حکمرانی جدید پیوند دارد. روشنفکران برای حکومت نقشی بالادستی و هدایت‌گرانه در برقراری تعادل و نسبت صحیح میان منافع عمومی و خصوصی در نظر می‌گیرند که در قالب مسئله مالکیت منابع و سرمایه‌های تولیدی، از جمله زمین‌های کشاورزی و سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی صورت‌بندی می‌شود. جمال‌زاده از جمله نویسندگانی است که در داستان‌های خود به لزوم تحول اقتصادی و اولویت توجه به «نیازهای مادی» مردم سخن گفته است (جمال‌زاده، بی‌تا: ۱۱ و ۲۶). با این حال، او در داستان کوتاه *بیله دیگ بیله* چقدر نسبت به سیاست استفاده از مستشاران خارجی در سامان بخشیدن به اوضاع اقتصادی و اداری مملکت اعتراض می‌کند و با نوعی رویکرد

بومی‌گرایانه خواستار سیاستگذاری صحیح در جهت نیازهای واقعی مردم و جامعه است. تحلیل جامعه‌شناختی نویسنده رمان «تهران مخوف» از اوضاع نابسامان اقتصادی نیز همزمان با نقد بی‌مسئولیتی طبقات متوسط و مرفه نسبت به سرنوشت جامعه (مشفق کاظمی، بی‌تا: ۲۲۰-۲۱۹) و سیاستگذاری‌های غلط دولت، برای مثال در خصوص مسئله رباخواری و نرخ سود بهره (مشفق کاظمی، بی‌تا: ۲۵۰) همراه می‌شود. با این حال، با توجه به دغدغه پیشرفت و تحول جامعه و نیز برقراری عدالت اجتماعی و حل مسئله فقر، به نظر می‌رسد که او نیز از زمامداری دولت جدید در عرصه اقتصاد حمایت می‌کند تا از این راه بتوان همزمان بر فساد حاکم و رخوت جامعه غلبه کرد. در سال‌های بعد مسعود و علوی در آثارشان سیاست‌ها و تحولات اقتصادی صورت گرفته به دست دولت را ظاهری و فریبکارانه می‌دانند. در اینجا، اختلافی میان این دو نویسنده در زمینه نقش دولت در اقتصاد وجود دارد؛ در حالی که مسعود به‌طور اساسی مدیریت دولتی در امور تجاری و بازرگانی را ناکارآمد و مخرب توصیف می‌کند (مسعود، ۱۳۹۷: ۱۷-۱۸)، علوی به پیروی از آموزه‌های فکری و سیاسی جریان چپ و تقی‌ارانی هرگز نقش دولت را در اقتصاد کوچک نمی‌بیند، بلکه درست برعکس به دلیل اهمیت مدیریت همه‌جانبه دولت در تحول و تغییر وضع موجود جامعه چنین ایرادهایی را در مورد زمامداران وقت مطرح می‌سازد. وی در رمان «چشم‌هایش» از زبان خداداد علت گسترش شکاف طبقاتی در جامعه و بی‌خبری اشخاص مرفه همچون فرنگیس از حال و روز توده گرسنگان را از یک سو در فساد و رشوه‌خواری رجال برجسته و مال‌پرستی شخص شاه، و از سوی دیگر در نظام مالکیت و تقسیم ناعادلانه زمین‌های کشاورزی جست‌وجو می‌کند (علوی، ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۳۱).

۵. تصویر حکومت در سیاست خارجی: استقلال یا الگوبرداری

رویارویی با غرب که از راه‌های گوناگونی همچون اعزام دانشجویان برای تحصیل در کشورهای اروپایی، استخدام مستشاران خارجی برای سامان دادن به امور اداری کشور و نیز دخالت‌های آشکار و پنهان دولت‌های غربی در امور داخلی ایران حاصل شده بود، مهم‌ترین چالش سیاست خارجی در این دوره به‌شمار می‌رود. با آغاز سلطنت رضاشاه پهلوی رویکرد نویسندگان و روشنفکران در این موضوع میان دو ایده الگوبرداری از پیشرفت‌های تمدن غرب و نیز انتقاد از استعمار و نفوذ نامشروع دولت‌های غربی در نوسان است. با این همه، تجربه توده مردم و یقینات زندگی روزمره به‌طور کلی در تقابل با غرب قرار می‌گیرد؛ و غلبه نفرت و ترس از نفوذ بیگانگان به تثبیت ایده استقلال در مقابل وابستگی در تصویر حکومت در زمینه سیاست خارجی منجر می‌شود.

جمال‌زاده در داستان کوتاه «دوستی خاله خرسه» در مجموعه داستان یکی بود یکی نبود سرنوشت ناگوار قهرمان داستان را که شاگرد قهوه‌چی به نام حبیب‌الله است، نقل می‌کند که با وجود نشان دادن انسانیت و دلسوزی در حق سرباز زخمی روس، دست آخر قربانی ناسپاسی و طمع او می‌شود و جان خود را در این راه می‌گذارد. ضعف حکومت در دفاع از مردم در برابر مهاجمان بیگانه و نیز سستی و فساد رجال سیاسی در برابر سیاست‌های استعماری انگلستان و روسیه، بذر کینه‌ای شدید را در دل توده مردم، به‌ویژه طبقات فروتر جامعه نشانده که با سوار شدن بر روی باورهای سنتی و مذهبی غالب مردم در مورد بی‌اخلاقی، خبثت و حتی نجاست کافران فرنگی حتی زمینه‌ساز مخالفت با تمدن اروپایی و پیشرفت‌های علمی و فنی آن تبدیل شد. بی‌اعتمادی شاه‌باجی به دکتر همایون که در فرنگ تحصیل کرده است (جمال‌زاده، بی‌تا: ۷۰) و دشمنی با خط آهن و اتومبیل و سایر اختراعات غربی از سوی کسانی که دغدغه‌های مذهبی دارند (مشفق کاظمی، بی‌تا: ۲۲۹)، نمونه‌هایی از باورهای مردم نسبت به غربی‌ها را نشان می‌دهد. این کینه و نفرت تنها مختص عوام نیست و حتی در دل خرده‌مالکی که برای انجام مأموریت به ففقاز اعزام شده و در خواب رؤیای سقوط تمدن و شکوه غرب را می‌بیند نیز رخنه کرده است (مشفق کاظمی، بی‌تا: ۱۸۴ و ۱۳۸). در همین ایام، فساد و رشوه‌خواری مسئولان و مقام‌های عالی مملکتی که حفظ قدرت و ثروت خود را در زدوبند و ارتباط با بیگانگان و جلب رضایت آنها می‌دیدند (علوی، ۱۳۵۷: ۷۹ و ۲۷)، ابعادی چنان وسیع و گسترده داشت که حتی دستگاه حکومت را به وحشت انداخته بود: «یکی را به اتهام اینکه در ضمن مسافرت فرنگستان با نمایندگان یک دولت خارجی سر و سری داشته، و دیگری را به اتهام اینکه سهام نفت جنوب را پنهانی از دولت به سرمایه‌داران انگلیسی فروخته است» بازداشت می‌کردند (علوی، ۱۳۹۱: ۷-۸). نفوذ و دخالت پنهان و آشکار دولت‌های خارجی در سیاست داخلی ایران در زمان صلح و جنگ یا استبداد و هرج‌ومرج همواره تداوم و تکرار داشت. چنین واقعیتی حتی شخصیت‌هایی همچون سرهنگ آرام را که البته زمانی خالی از احساسات وطن‌پرستانه نبوده است، به این نتیجه می‌رساند که برای سرنگونی دولت وقت و «پرچم‌داری آزادی» ابتدا باید رضایت انگلیسی‌ها را جلب کرد (علوی، ۱۳۹۱: ۲۲۹-۲۳۰). بنابراین، جای تعجب ندارد اگر در چنین وضعیتی توده مردم به ترس بیمارگونه و توهم توطئه نسبت به قدرت و نقش بیگانگان در اداره امور و تحولات کشور مبتلا شوند، و استقلال و قطع وابستگی را همچون رؤیایی شیرین در خواب آرزو کنند!

از نظر بسیاری از نویسندگان این دوره، به‌ویژه کسانی که شدیدترین انتقادات را نسبت به وضع موجود جامعه و سیاست‌های حکومت مطرح می‌کردند، استبداد داخلی و استعمار خارجی دو روی یک سکه‌اند که هریک زمینه تقویت و تداوم دیگری را فراهم می‌کند.

به عبارت دیگر، الگوبرداری و حتی نگاه آرمان‌شهری نسبت به غرب و تمدن غربی به این دلیل در تعارض با ایده استقلال ملی قرار نمی‌گیرد که وابستگی و خودفروختگی مقام‌های مستبد حکومتی خود به مثابه اصلی‌ترین عامل نفوذ بیگانگان و از دست رفتن استقلال تلقی می‌شود. همان‌گونه که گفته شد، جمال‌زاده در داستان *دوستی خاله‌نخرسه* نگاه بدبینانه و سرزنش‌آمیزی را نثار روس‌ها می‌کند که بخشی از خاک سرزمین ایران را اشغال کرده‌اند. با این همه بُعد اصلی انتقاد نویسنده چه در این داستان و چه در روایت داستان سفر مستشار دروغین به ایران در داستان *بیله دیگ بیله چغندر*، انتقاد از انفعال و عقب‌ماندگی جامعه و به موازات آن کوتاهی و ضعف حکومت است. از یک سو، زودباوری و بی‌اطلاعی دولتمردان که چشم‌پسته به خارجی‌ها اعتماد می‌کنند، سرزنش می‌شود؛ و از سوی دیگر، از نگاه یک «بیگانه»، در واقع باورها و اعتقادهای نادرست مردم و معضلات جامعه ایران همچون فاصله طبقاتی و نابرابری فرصت‌های اجتماعی به چالش کشیده می‌شود (قانون‌پرور، ۱۳۹۲: ۸۶-۸۷).

روشنفکران و نویسندگان این دوره تصویر حکومتی را در ذهن داشتند که با اقتدار تمام بتواند از راه تقویت قوای نظامی و پاکسازی دولت از سیاستمداران فاسد و وابسته به دولت‌های خارجی، همچون سدی در برابر نفوذ و دست‌اندازی بیگانگان به کشور مقاومت کند. در عین حال، کسانی همچون حجازی و مسعود از دولت جدید انتظار داشتند که اصلاحات اجتماعی-اقتصادی لازم را در جهت نزدیک شدن به آرمان‌شهر جوامع اروپایی پیگیری کند. قانون‌پرور معتقد است که رویکرد مسعود در رمان «گل‌هایی که در جهنم می‌رویند»، دو وجه دارد؛ نخست انتقاد از استبداد و دیکتاتوری داخلی که در مقابل بهشت اروپایی-توپیای نویسنده- قرار می‌گیرد و دوم انتقاد از رفتار استثمارگرانه دولت‌های غربی در قبال ایران که ایده استقلال ملی را نشان می‌دهد (قانون‌پرور، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۱۰۴). با این همه با مراجعه به سایر آثار مسعود، مشاهده خواهیم کرد که او در نهایت اولویت را به مبارزه علیه استبداد داخلی می‌دهد، زیرا برای مردم فرقی نمی‌کند که «مال و ناموسشان در معرض کمانداران روس باشد یا صاحب‌منصب قزاق» (مسعود، ۱۳۸۵: ۷۹-۸۰)! اشاره به این نکته سودمند است که در دوره سلطنت رضاشاه پهلوی هم‌راستا با ایدئولوژی رسمی دولت، بسیاری از نویسندگان تحت تأثیر احساسات میهن‌پرستانه و نیز در تلاش برای جست‌وجوی علل عقب‌ماندگی جامعه به نوشتن رمان‌های تاریخی روی آوردند. حتی نویسندگان مخالف جریان رسمی همانند هدایت و علوی نیز در دهه ابتدایی سده جدید از تأثیر ایدئولوژی ملی‌گرایی، باستان‌گرایی مصون نبودند (آژند، ۱۳۷۳: ۲۲-۲۴). با این حال، علوی به‌زودی راه خود را از جرگه این نویسندگان جدا و انتقاد خود را متوجه استبداد داخلی و نوسازی (مدرنیزاسیون) ظاهری دولت وقت می‌کند. آشنایی او با دکتر ارانی و جریان موسوم به پنجاه‌وسه نفر در جهت‌گیری

انتقادی او نسبت به غرب‌گرایی، «امپریالیسم» و سیاست‌های استعماری دولت‌های غربی تأثیر به‌سزایی داشته است. افزون بر این، با اشغال ایران از سوی نیروهای متفقین در انتهای دوران سلطنت رضاشاه و سیاست‌های استثمارگرانه ارتش بریتانیا در زمان قحطی که با سودجویی و فرصت‌طلبی رجال سیاسی فاسد مجال بروز یافت (علوی، ۱۳۵۷: ۸۴-۸۵)، بار دیگر احساسات میهن‌پرستانه داستان‌نویسان ایرانی شعله‌ور شد و به اولویت‌بخشی ایده استقلال ملی در برابر ایده وابستگی و الگوپردازی از تمدن غربی انجامید.

۶. سیاست فرهنگی در تصویر حکومت: دوگانگی ارزشی-هنجاری

خرافه‌پرستی و باور به اصول و اعتقادهایی که نه از نظر عقلی پذیرفته شده است و نه دردی از زندگی مردم دوا می‌کند، بلکه برعکس موجب نگون‌بختی و گمراهی ایشان در یافتن علاج واقعی دردها و مشکلات می‌شود، بازتاب گسترده‌ای در رمان‌ها و داستان‌های کوتاه این دوره دارد. از زن نوروز شاطر در داستان *راه‌آب‌نامه* گرفته تا *علویه‌خانم* صادق هدایت، بارها با شخصیت‌هایی مواجه می‌شویم که اغلب- اما نه همیشه - از طبقات فروتر جامعه هستند و جادو و جنبل و طلسم و دعا را از سر ناچاری و نادانی همچون تریاکی برای فراموشی دردها و مشکلاتشان به کار می‌گیرند. در این میان، گروهی از اطباء سنتی و آخوندها و دعانویس‌ها، راهنما و مشوق توده بی‌اطلاع مردم در باور به خرافات و ظاهرینی در اعتقادهای مذهبی می‌شوند و به تداوم جهل و تعصب آنها یاری می‌رسانند. برای مثال، در داستان *راه‌آب‌نامه* حکیم‌باشی که جز تجویز آش و کشتن مردم هنر دیگری ندارد، در رد یافته‌های پزشکی جدید داد سخن می‌گوید و اعتقادهای مذهبی و سنتی مردم را دستاویز قرار می‌دهد و جان مردم بی‌گناه و از همه‌جا بی‌خبر را به بازی می‌گیرد (جمال‌زاده، بی‌تاریخ: ۶۲-۶۳). *آقا شیخ و حضرت آقا* نیز در رمان مشفق کاظمی به‌طور مشابه احساسات مذهبی مردم را در جهت کسب منافع شخصی تحریک می‌کنند (مشفق کاظمی، بی‌تاریخ: ۲۴۰-۲۴۴؛ مشفق کاظمی، بی‌تاب: ۱۱۱). شاید خرافات و نادانی توده مردم برای هیچ نویسنده دیگری همچون هدایت دغدغه نباشد. او حتی کتاب *نیرنگستان* را برای نقد صریح آداب و رسوم کهنه و خرافات توده مردم ایران به رشته تحریر درمی‌آورد که البته بلافاصله پس از انتشار از سوی مقام‌های حکومتی جمع‌آوری می‌شود (آرین‌پور، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۲). افزون بر این، در بسیاری از داستان‌های کوتاه و بلند او با شخصیت‌هایی همچون *علویه‌خانم*، *آبجی‌خانم* و حتی دایه راوی در داستان *بوف کور* مواجه می‌شویم که نادانی و تعصب ایشان نسبت به خرافات و باورهای نادرست خواننده را شگفت‌زده می‌کند. بی‌شک نقطه شکست این اعتقادهای عامیانه مواجهه با واقعیت تلخ زندگی است که در بدترین حالت ممکن است همانند مورد *آبجی‌خانم* به فروپاشی روانی و نابودی شخص ختم شود.

محمد مسعود نمونه دیگری از این مواجهه مستقیم با مرگ و تردید در اعتقادهای پیشین را در صحنه‌ای از داستان بهار عمر توصیف می‌کند (مسعود، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۹، ۳۷).

وجه دیگری از ضدارزش‌هایی که نویسندگان آن را نقد می‌کنند، غلبه مادی‌گرایی و پول‌پرستی است. بسیاری از شخصیت‌های منفی رمان *تهران مخوف* تنها در اندیشه پول و مقام هستند و کمترین اهمیتی به دردمندان جامعه یا منافع عمومی نمی‌دهند. محیط اجتماعی که نویسنده دست به توصیف آن می‌زند، به‌گونه‌ای سامان یافته است که بستر مناسب را برای سودجویی و منفعت‌طلبی این تیپ افراد فراهم می‌آورد. از روزنامه‌نگار و بازاری و آخوند روضه‌خوان گرفته تا شاهزاده قجری و امور فاسد دولتی، همگی برای حفظ منافع خود در مقابل هرگونه تغییر و اصلاحی می‌ایستند و بر تداوم باورهای سنتی و مخالفت با تجدد اصرار می‌ورزند (مشفق کاظمی، بی‌تا: ۲۶۱-۲۶۳). تبدیل شدن پول به معیار و ارزش نخست در روابط اجتماعی در سال‌های بعد همچنان ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. مسعود در رمان «*تفریحات شب*» بارها از زبان راوی به انتقاد از آثار منفی تمدن مادی و از دست رفتن اخلاق و ارزش‌های اجتماعی در برابر روحیه پول‌پرستی و لذت‌جویی افسارگسیخته می‌پردازد (مسعود، ۱۳۸۴: ۶۵ و ۱۰). به‌نظر می‌رسد که سیاست‌های دولت و تحولات اجتماعی جدید جریان امور را به سمتی هدایت می‌کند که در عین تضعیف برخی ارزش‌ها و اعتقادهای پیشین، از جمله باورهای مذهبی، راه برای یک‌تازی مادی‌گرایی و ثروت‌اندوزی از هر راه ممکن بیش از پیش گشوده می‌شود (مسعود، ۱۳۸۴: ۵۱). بی‌شک، در این مقطع زمانی پول ارزشی است که ورای سایر ارزش‌ها به روابط اجتماعی جهت داده و انگیزه اصلی بسیاری از افراد جامعه را در کنش‌های اجتماعی‌شان نشان می‌دهد. با این حال، نوعی دوگانگی ارزشی-هنجاری در افکار و رفتار مردم تشخیص‌دانی است که انگیزه‌های واقعی افراد را در پشت ادعاهای اخلاقی و باورهای مذهبی پنهان می‌سازد. در داستان‌های جمال‌زاده بارها با شخصیت‌هایی روبه‌رو می‌شویم که رفتارهایی متناقض دارند؛ برای مثال *عزت‌الملوک* در رمان *راه‌آب‌نامه* در عین نزول‌خواری و فسق و فجور، شب‌های جمعه در منزل روضه‌خوانی دارد (جمال‌زاده، بی‌تا: ۲۲). پدر راوی و حاج‌عمو در داستان *دارالمجانین* نیز به همین ترتیب دوگانگی ارزشی و هنجاری را در گفتار و رفتار خود نشان می‌دهند (جمال‌زاده، بی‌تا: ۲۰-۲۱، ۱۴).

همزمان با روی کار آمدن دولت مطلقه و تبلیغ هنجارهای رسمی از سوی حکومت، این دوگانگی ابعاد اجتماعی وسیع‌تری پیدا می‌کند. درحالی‌که تجربه روزمره افراد را درباره فساد و فحشا در جامعه بی‌تفاوت کرده است، دولت همچنان سعی دارد با نظام آموزشی و کتاب‌های درسی دانش‌آموزان را به پند و اندرزهای اخلاقی سرگرم کند که هیچ نسبتی با واقعیت‌های جاری زندگی اجتماعی ندارد (مسعود، ۱۳۸۴: ۱۵۴ و ۱۳۶). در داستان کوتاه «*طلب‌آمزش*» از

مجموعه داستان سه قطره خون، باورها و رفتارهای ناهمگون شخصیت‌ها (هدایت، ۱۳۴۱: ۸۷-۸۸) در عین وحشت‌آفرینی، عادی و طبیعی جلوه می‌کند. به گفته آراین‌پور، گویی «اینها گنه‌کارانی هستند که این همه رنج سفر را بر خود هموار کرده‌اند و می‌روند از گناهان خود توبه کنند» (آراین‌پور، ۱۳۸۵: ۱۲۱). در کل، رواج خرافات و باورهای نادرست مذهبی، غلبه ارزش‌های مادی و ثروت‌اندوزی و نیز دوگانگی ارزشی-رفتاری افراد جامعه، یقینات زندگی روزمره مردم را درباره مسائل فرهنگی و اخلاق اجتماعی نشان می‌دهد.

بیشتر نویسندگان این دوره به‌منظور مبارزه علیه اعتقادات و رویه‌های ارزشی موجود پیشنهادهایی را ارائه می‌کنند که با تصویر آرمانی آنها از وظایف و مسئولیت‌های حکومت پیوند خورده است. این پیشنهادهای اصلاحی درباره موضوع‌هایی همچون اهمیت آموزش و آگاه‌سازی توده مردم به‌خصوص در مقابل خرافه‌باوری و آداب و رسوم مورد انتقاد، ترویج علوم جدید و توجه به نیازهای عینی و مادی جامعه در کنار ارزش‌های معنوی است. مشفق کاظمی و مسعود از جمله نویسندگانی هستند که بیشترین تأکید را بر آموزش و تربیت نسل جدید دارند. مشفق کاظمی بارها بی‌سوادی و ناآگاهی توده مردم، به‌خصوص دختران جوان را علت اصلی بسیاری از بدبختی‌ها و فسادهای اخلاقی شایع در جامعه عنوان می‌کند. از نظر او، چاره کار گسترش مدارس و تشویق خانواده‌ها به فرستادن فرزندان خویش، به‌ویژه دختران به مدرسه است، زیرا مدرسه محیطی است که نه‌تنها استعداد جوانان را شکوفا می‌کند، بلکه آنها را از عوامل مخرب اخلاق بشر همانند حرص، پول، قدرت و فحشا دور نگه می‌دارد (مشفق کاظمی، بی‌تا: ۱۲۹-۱۳۰). این در حالی است که برای مسعود محتوای دروس و جهت‌گیری نظام آموزشی در تربیت جوانان بسیار مهم‌تر از صرف وجود مدارس و آموزش نظام‌مند است، تا جایی که حتی «زندگی طبیعی» را بهتر از تربیت بد می‌داند که سرشت پاک جوانان را خراب می‌کند (مسعود، ۱۳۸۴: ۹۰). همان‌طور که گفته شد، مسعود باور دارد که تعالیم و کتاب‌های درسی موجود نسبتی با واقعیت زندگی روزمره ندارد و نمی‌تواند محصلان را برای کار و زندگی در جامعه آماده کند. بدین‌ترتیب مهم‌ترین وظیفه حکومت در امر خطیر آموزش و تربیت نسل آینده، اولویت‌بخشی به علوم عملی در برابر علوم نظری و همچنین تدریس علوم تجربی و فنی جدید به‌جای تکرار فلسفه‌ها و نظریه‌های سنتی است (مسعود، ۱۳۸۴: ۱۸۲-۱۸۳، ۱۷۳).

تأکید همزمان بر علم‌گرایی و عمل‌گرایی در این دوره که خود ناشی از توجه به وضعیت اقتصادی جامعه و نیز مشاهده پیشرفت‌های مادی جوامع غربی است، در آموزه‌های ایدئولوژیک جریان نوظهور چپ و به‌خصوص در نوشته‌های ارانی و «مجله دنیا» که به همت بزرگ علوی انتشار می‌یافت، حضور پررنگی دارد. با این حال، پرداختن به چنین موضوعی مختص چپ‌ها نیست و به‌نوعی دغدغه و موضوع بحث جریان عمومی داستان‌نویسی این

دوره به‌شمار می‌رود. در آثار نویسندگان دیگری همچون جمال‌زاده، هدایت و نیز حجازی در رمان سرشک بحث درباره چگونگی نوسازی جامعه و پیشرفت مادی با نگاه به تجربه کشورهای پیشرفته غربی ملاحظه می‌شود. برای مثال، جمال‌زاده در داستان *راه آب‌نامه*، ضمن تأکید بر نیاز مردم ایران به «تمدن مادی» (جمال‌زاده، بی‌تاریخ: ۱۱)، بارها از فرنگی‌مآبی انتقاد می‌کند و از لزوم متناسب‌سازی علوم جدید غربی با نیازهای واقعی جامعه ایرانی به دور از هرگونه شعارزدگی و افراط‌گرایی در این حوزه سخن می‌گوید. هدایت نیز در داستان *س.گ.ل.ل.* از مجموعه داستان سایه‌روشن، هراس خود را از پوچی و بی‌ارزشی تمدن مادی نشان می‌دهد. به گمان او پیشرفت علوم و فناوری جدید می‌تواند تمدن بشری را به سقوط و نابودی بکشاند (آرین‌پور، ۱۳۸۵: ۱۵۰-۱۵۱). بنابراین، در کنار تلاش برای اصلاح وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور، حفظ ارزش‌های اصیل فرهنگ ایرانی که اتفاقاً ارتباط مستقیمی با زندگی و تجربیات مردم عادی در زندگی روزمره دارد، برای معنابخشی به زندگی ضروری است.

نکته پایانی، انتقاد برخی نویسندگان از روشنفکران رسمی یا حکومتی است که در نهادهایی همچون فرهنگستان و سازمان پرورش افکار فعالیت دارند. هدایت در داستان *میهن‌پرست* از مجموعه داستان *سگ ولگرد*، تکبر و تظاهر ادبا و علمای فرهنگستان زبان فارسی را به تمسخر می‌گیرد، زیرا پوچی و بی‌خاصیتی پیشنهادهای آنها برای واژه‌سازی و اصلاح زبان از این حیث آشکار می‌شود که هیچ نسبتی با زبان و زندگی مردم عادی ندارد (آرین‌پور، ۱۳۸۵: ۲۰۶-۲۰۷، ۲۰۴). علوی نیز در ترسیم شخصیت *آقای نوپور* در داستان *مردی که پالتوی شیک تنش بود* (دستغیب، ۱۳۵۸: ۴۱)، نگاهی انتقادی به روشنفکرانها و معلمان اخلاق دارد که بی‌خبر از حال و روز مردم و اوضاع جامعه به انتشار پند و اندرز و پیشنهادهای ارزشی خود مشغول‌اند.

۷. نتیجه

در این مقاله تلاش کردیم تا با بررسی جداگانه وجه ایدئولوژیک و وجه اتوپیایی رمان‌ها و داستان‌های اجتماعی، جلوه‌ای از تصویر حکومت را ترسیم کنیم. با سنجش ایده‌های مرتبط با هر یک از ابعاد تصویر حکومت، یعنی سیاست داخلی، سیاست خارجی، سیاست اقتصادی و سیاست فرهنگی (جهان‌بینی) دو دسته از «زنجیره‌های اعتقادی» شکل می‌گیرد؛ نخست زنجیره اعتقادی توده مردم در نسبت با یقینات زندگی روزمره که شامل ایده‌هایی همچون پدرسالاری، تقدیرگرایی، مادی‌گرایی، بیگانه‌ستیزی و خرافه‌باوری می‌شود و دوم زنجیره اعتقادی نویسندگان در مقام روشنفکرانی که دغدغه‌های خود را درباره نسبت میان جامعه و حکومت در قالب ایده‌هایی همچون اقتدارگرایی، پیشرفت اقتصادی، عدالت اجتماعی، نفی استعمار،

الگوبرداری از غرب و مبارزه با خرافات و فساد اخلاق اجتماعی نشان می‌دهند. برآورد کلی این دو زنجیره در کنار یکدیگر جهت‌گیری انتظارها و دیدگاه‌های موجود جامعه به حکومت را آشکار می‌سازد. به‌طور خلاصه، تصویر حکومت در این مقطع زمانی حاصل ترکیب اقتدارگرایی پدرسالارانه، نقش پررنگ دولت در اقتصاد، استقلال و استعمارستیزی و در نهایت ضرورت اصلاح اخلاق اجتماعی است. هرچند نویسندگان این دوره در توصیف روابط اجتماعی و آفرینش شخصیت‌های داستانی اغلب نگاهی انتقادی به جامعه و شیوه زندگی مردم دارند، اما قرابت‌هایی میان تصور آنها از حکومت آرمانی و یقینات جاری در زندگی روزمره عموم مردم دیده می‌شود. به‌عبارت دیگر، نه تنها پیشنهادهای اصلاحی آنها برای تغییر وضع موجود و نقش حکومت در این میان برگرفته از نیازها و بحران‌های روز جامعه است، بلکه راه‌حل‌ها و مسیرهای جایگزین پیشنهادی آنها اغلب با روح زمانه و فرهنگ سیاسی حاکم تطابق دارد. این شباهت گفتمانی از یک سو با بستگی اجتماعی و طبقاتی این نویسندگان، و از سوی دیگر با زبانی که برای بیان مشکلات جامعه به‌کار می‌گیرند، پیوند دارد.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

تقدیر و تشکر

مراتب سپاسگزاری خود را از راهنمایی‌های گرانقدر دکتر داود فیرحی برای نگارش این مقاله ابراز می‌داریم. متأسفانه مرحوم فیرحی، استاد فرهیخته علوم سیاسی، سال گذشته بر اثر ابتلا به ویروس کرونا از این جهان رخت بریست که این مصیبت نابهنگام ضربه‌ای سهمگین بر پیکر خانواده علوم سیاسی بود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، مختار؛ شفا دیهیمی‌نژاد. (۱۳۹۹) «تحلیل گفتمان قدرت در داستان سیاوش بر اساس نظریه قدرت میشل فوکو»، *ادب فارسی*، ۱۰، ۲: ۱۹۱-۲۱۲، <DOI:10.22059/jpl.2020.297557.1639>.
۲. آرزین‌پور، یحیی. (۱۳۸۵) *زندگی و آثار هدایت*. تهران: زوار، ج ۲.
۳. آژند، یعقوب. (۱۳۷۳) *ادبیات داستانی در ایران و ممالک اسلامی*. تهران: آرمین.
۴. افضل‌علی، علی؛ زینب قاسمی‌اصل. (۱۳۹۴) «مطالعه تصویر دهه بیست جنوب ایران در رمان همسایه‌ها»، *ادب فارسی*، ۲: ۱۱۳-۱۳۳، <DOI:10.22059/jpl.2016.57810>.
۵. جمال‌زاده، سید محمدعلی. (۱۳۲۰) *یکی بود یکی نبود*. تهران: پروین.
۶. _____ (۱۳۷۹) *قالتشن دیوان*. تهران: سخن.
۷. _____ (بی‌تا الف) *دارالمجانین*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۸. _____ . (بی‌تاب) راه آب نامه. تهران: کانون معرفت.
۹. حجازی، محمد. (۱۳۴۰) زیبا. تهران: سینا، چ ۷.
۱۰. دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۵۸) نقد آثار بزرگ علوی. تهران: فرزانه.
۱۱. _____ . (بی‌تا) نقد آثار هدایت. تهران: سپهر.
۱۲. زرافا، میشل. (۱۳۶۸) ادبیات داستانی: رمان و واقعیت اجتماعی. تهران: فروغی.
۱۳. علوی، بزرگ. (۱۳۵۷) سالاری‌ها. تهران: امیرکبیر.
۱۴. _____ . (۱۳۸۳) «یک زن خوشبخت» در بزرگ علوی، گیله مرد. تهران: نگاه، چ ۳.
۱۵. _____ . (۱۳۹۱) چشم‌هایش. تهران: نگاه، چ ۱۲.
۱۶. فیرحی، داود. (۱۳۹۰) فقه و سیاست در ایران معاصر: فقه سیاسی و فقه مشروطه. تهران: نی، ج ۱.
۱۷. _____ . (۱۳۹۳) فقه و سیاست در ایران معاصر: تحول حکومت‌داری و حکومت اسلامی. تهران: نی، ج ۲.
۱۸. قانون‌پرور، محمدرضا. (۱۳۹۲) در آیینه ایرانی؛ تصویر غرب و غربی در داستان ایرانی، ترجمه مهدی نجف‌زاده. تهران: تیسرا.
۱۹. کالیراد، علی. (۱۳۹۳) «نقطه‌ای در تاریخ‌خانه (تحلیل روان‌شناختی دو داستان کوتاه تاریک‌خانه اثر صادق هدایت و نقطه‌ای بر روی نقشه اثر سعید فائق)»، پژوهش‌های ایران‌شناسی ۴، ۲: ۴۵-۶۳.
<DOI:10.22059/jis.2015.56676>
۲۰. کنوبلاخ، هوبرت. (۱۳۹۴) مبانی جامعه‌شناسی معرفت، ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نی.
۲۱. لوکاچ، جورج. (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی رمان. تهران: ماهی.
۲۲. مانهایم، کارل. (۱۳۸۰) ایدئولوژی و اتوپیا: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: سمت.
۲۳. مسعود، محمد. (۱۳۸۴) تفریحات شب. تهران: تلاونگ.
۲۴. _____ . (۱۳۸۵) بهار عمر. تهران: تلاونگ.
۲۵. _____ . (۱۳۹۷) در تلاش معاش. تهران: امید فردا.
۲۶. مسکوب، شاهرخ. (۱۳۸۶) داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع. تهران: فرزانه روز، چ ۴.
۲۷. مشفق کاظمی، مرتضی. (بی‌تا) تهران مخوف. تهران: امید فردا، ج ۱.
۲۸. _____ . (بی‌تا) یادگار یک شب. تهران: امید فردا، ج ۲.
۲۹. معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۹۴). زیست‌جهان و اهمیت آن برای نظریه سیاسی. تهران: رخداد نو، چ ۱.
۳۰. مقدم‌شاد، محمودرضا. (۱۳۹۶) رمان‌های اجتماعی و تصویر حکومت در ایران معاصر (۱۳۵۷-۱۳۰۰)، پایان‌نامه دکتری در علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران.
۳۱. هدایت، صادق. (۱۳۴۱) «طلب آمرزش» در صادق هدایت، سه قطره خون. تهران: امیرکبیر، چ ۶.
۳۲. _____ . (۱۳۵۶) یوف کور. تهران: جاویدان.



Research Paper

The Image of Government in Iranian Fictions, 1921-1941

Mehdi Nasr^{1*}, Mahmood Reza Moghadam-Shad²

¹ Assistant Professor, Faculty of Law & Political Science, Payam-e Noor University, Shahr-e Kord, Iran

² PhD in Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

Received: 8 November 2016, Accepted: 25 October 2021
© University of Tehran

Abstract

Between the coup in February 1921 and the occupation of Iran by the Allied Powers which ultimately put an end to Reza Shah Pahlavi's reign (1925-1941), a series of political and social events occurred that led to the rise of the absolutist state in the country. The emerging form of governance was based on an image of government that influenced the discourse among various political groups and movements, including nationalists, leftists, Islamists and monarchists, and also reflected the people's everyday life certainties. In this paper, the main research questions are as follows: 1. Was the specific image of government rooted in the worldview of the time and the everyday life certainties of the ordinary people? 2. What important factors in various fields had shaped the image of government? 3. To what extent was this image of government resonated in the fictional books in literature of this period?

In the hypothesis, it is asserted that Iran's modern government in the first Pahlavi period had been formed on the basis of an image which can be found in the most important Iranian novels of the period, and is rooted in the certainties of the daily lives of the Iranian people, and created dichotomies such as authoritarianism/ democracy in the various aspects of life. Using the method of explaining typical characters in György Lukács' sociology of novel as well as the theoretical framework of Mannheim's sociology of knowledge, the authors study and explain Iranian expectations and views of government during 1921-1941 period as indicated in the social novels and stories. As in other fields of art, fiction books reflect the socio-political ideals of the authors and inevitably manifest the existing realities, and circumstances of the society, including each country and region to which they belong. As a consequence, the outstanding works of a certain era reflect the authors' own ideas about the prevailing situation, criticism of the disorder and malfunctions, and suggestions for change and reforms

*Corresponding Author Email: mahdinasr@pnu.ut.ac.ir

Furthermore, the authors' description of imaginary events or re-narrating real events, characterization and typification, and even description of people's everyday lifestyles in a given time period, reveal their realistic views. According to György Lukács account of the decline of aristocracy in Balzac's, despite Balzac's personal attachment to this class, he accurately and possibly unintentionally revealed how the emerging bourgeoisie was gradually seizing socio-economic and political power and marginalizing the aristocrats. Similarly, borrowing from Mannheim in *Ideology and Utopia*, we see two different aspects, the ideological aspect and the utopian aspect, in the top fiction books written between 1921-1941 during the reign of Reza Shah. The former refers to the realistic nature of the stories and the latter to their critical-idealistic feature which reflects the author's specific thoughts and worldview. We hypothesized that the fiction books in literature of this period in both ideological and utopian aspects, have specific worldviews in relation to the image of government in various domains such as domestic, foreign, economic and cultural policies. This was in part proposed by Davood Feirahi.

Among the authors whose works have been examined are Morteza Mushfeq Kazemi, Mohammad Ali Jamalzadeh, Mohammad Massoud, Sadegh Hedayat, Mohammad Hejazi and Bozorg Alavi. They are among the influential thinkers of their time and remain familiar names for Iranian readers. In addition, we studied the available critiques which evaluate the key ideas and interpret the authors' intentions, and discuss the weaknesses of the works by providing supporting evidence. The interpretations of the authors' specific narratives, especially the works of Abdul Ali Dastghib was examined in order to better understand these written accounts of the past. The content analysis of these fictions helps to analyze and decipher some hidden aspects of factors in various areas such as domestic politics, foreign policy, economic policy, cultural policy (worldview) which affected the formation and reformation of government. This will in turn help us to understand the advent of dichotomies such as authoritarianism/ democracy, independence/ dependence, public interest/ private ownership, and finally value-normative duality and friction in government and politics of the time. Although these dichotomies initially appeared in this time period, they remained a permanent fixture in the debates in the currents of thought in Iranian political circles. Consequently, the analysis of their roots is very important in better understanding the clashes of ideas and worldviews in Iranian society today and even predicting the probable future developments.

Keywords: Iranian Fictions, Authoritarianism, Pre-revolution Image of Government, Sociology of Novels, Ideological and Utopic Aspects

Acknowledgments

It is our sad honor to express gratitude to Dr. Davood Feirahi for his lifelong efforts as our professor and thesis supervisor to inspire and challenge us and his other students at the UT. He has been greatly missed since his sudden death due to Coronavirus last year.

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-1094-7631>

References

- Afzali, Ali; and Zeinab Ghasemi Asl. (2015) "Motāleh-'i tasvir-e dahe-ye bist-e jenoob-e Īrān dar romān-e hamsāye-hā (A Study of the Portrayal of the South of Iran in the 1940s in the Novel, the Neighbors)," *Adab-e farsi (Persian Literature)* 5, 2: 113-133, <DOI:10.22059/jpl.2016.57810>. [in Persian]
- Ajand, Yaghob. (1994) *Adabiyāt-e dastāni dar Īrān va mamālek-e eslāmi (Fiction in Iran and Islamic Countries)*. Tehran: Armin. [in Persian]
- Alavi, Bozorg. (1978) *Sālāri'hā (The Salaris)*. Tehran: Amirkabir. [in Persian]
- . (2004) "Yek zan-e khosbakht (A Fortunate Woman)," in Bozorg Alavi, *Gileh Mard (Gilani Man)*. Tehran: Negah, 3rd ed. [in Persian]
- . (2012) *Sheshm'hā 'yash (Her Eyes)*. Tehran: Negah, 12th ed. [in Persian]
- Arianpour, Yahya. (2006) *Zendeghi va āsār-e hedāyat (Life and Works of Hedayat)*. Tehran: Zavar, 2nd ed. [in Persian]
- Dastgheib, Abdul Ali. (1979) *Naghd-e āsār-e bozorg-e alavi (A Critique of Bozorg-e-Alavi's Works)*. Tehran: Farzāneh. [in Persian]
- . (n.d.) *Naghd-e āsār-e Hedāyat (Critique of Hedāyat's Works)*. Tehran: Sepehr. [in Persian]
- Ebrahimi, Mokhtar; and Shafa Deihiminezhad. (2021, Spring) "Tahlil-e goftemān-e ghodrat dar dāstān-e siāvosh bar asās-e nazariyeh-'i ghodrat-e michel foko (A Discourse Analysis of Power in the Story of Siavash based on the Michel Foucault's Theory of Power)," *Adab-e farsi (Persian Literature)* 10, 2: 191-212, <DOI: 10.22059/jpl.2020.297557.1639>. [in Persian]
- Feirahi, Davood. (2011) *Fegh va siyāsāt dar Īrān-e moāser: fegh siyāsi va fegh-e mashroteh (Jurisprudence and Politics in the Contemporary Iran: Political Jurisprudence and Constitutional Jurisprudence)*. Tehran: Ney, Vol. 1. [in Persian]
- . (2014) *Fegh va siyāsāt dar Īrān-e moāser: tahavol-e hokomat'dari va hokomat-e eslāmi (Jurisprudence and Politics in the Contemporary Iran: The Evolution of Governance and Islamic Government)*. Tehran: Ney, Vol. 2. [in Persian]
- Ghanoonparvar, Mohammad Reza. (2013) *In a Persian Mirror: the Images of the West and the Westerners in Iranian Fiction*, trans. Mehdi Najafzadeh. Tehran: Tisa. [in Persian]

- Jamalzadeh, Seyed Mohammad Ali. (1941) *Yeki bood, yeki nabood (Once Upon a Time)*. Tehran: Parvin. [in Persian]
- . (2000) *Ghoul-tashan Divān (A Gigantic Goblin)*. Tehran: Sokhan. [in Persian]
- . (n.d._a) *Dār'ol majānin (Mad House)*. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- . (n.d._b) *Rāh'āb nāmeḥ (The Letter of Waterway)*. Tehran: Kānon-e Marefāt. [in Persian]
- Kalirad, Ali. (2014) "Noghteh'ī dar tārik'khāneh (tahlil-e ravānshenākhti dou dāstān-e kotāh-e tārik'khāneh āsār-e Sādegh hedāyat va noghte'ī bar rū-yi naghshesh āsār-e said faegh, (A Place in the Dark Room (A Psychological Analysis of Two Short Stories, the Dark Room by Sadeq Hedāyat and a Dot on the Map by Said Faegh," *Pajohesh'ha-ye Īrān'shenāsi (Iranian Studies)* 2, 4: 5-63, <DOI:10.22059/jis.2015.56676>. [in Persian]
- Hedayat, Sadegh. (1962) "Talab-e Amorzesh (Seeking Absolution)," in Sadeq Hedayat, *Ce ghatre khoon (Three Drops of Blood)*. Tehran: Amirkabir, 6th ed. [in Persian]
- . (1977) *Boof-e koor (The Blind Owl)*. Tehran: Javidan. [in Persian]
- Hejazi, Mohammad. (1961) *Zibā (The Beautiful)*. Tehran: Sina, 7th ed. [in Persian]
- Knoblauch, Hubert. (2015) *Mabāni-e jāmeḥ'shenāsi-e marefāt (Fundamentals of Sociology of Knowledge)*, trans. Keramat'ollah Raskh. Tehran: Ney. [in Persian]
- Lukács, György. (2008) *Jāmeḥ'shenāsi-e romān (Sociology of the Novel)*. Tehran: Mahi. [in Persian]
- Mannheim, Karl. (2001) *Ideology va utopia: moghadem'ī bar jāmeḥ'shenāsi-e shenākht (Ideology and Utopia: An Introduction to the Sociology of Knowledge)*, trans. Fariborz Majidi. Tehran: Samt. [in Persian]
- Massoud, Mohammad. (2005) *Tafrihāt-e shab (The Night Entertainment)*. Tehran: Talawang. [in Persian]
- . (2006) *Bahār-e Umr (Spring of Life)*. Tehran: Talawang. [in Persian]
- . (2019) *Dar talāsh-e Moāsh (Trying to Make a Living)*. Tehran: Omide-e-Farda. [in Persian]
- Meskoob, Shahrokh. (2007) *Dāstān-e adabiyāt va sarghozasht-e ejtema (The Story of Literature and The History of Society)*. Tehran: Farzan Rooz, 4th ed. [in Persian]
- Moini Alamdari, Jahangir. (2015) *Zist-e Jahān va ahamiyat-e ān barāye nazariyeh-ye siyāsi (Lifeworld and Its Importance For Political Theory)*. Tehran: Rokhdad-e No. [in Persian]
- Moghadamshad, Mahmood Reza. (2017) *Romān'hā-ye ejtemā'i va tasvir-e hokomat dar Īrān-e mo'āser (The Social Novels and the Image of Government in the Contemporary Iran, 1979-1921)*, A PhD Dissertation in Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

- Moshfeq Kazemi, Morteza (n.d._a). *Yadeghār-e yek shab (A Memorabilia of a Night)*. Tehran: Omid-e-Fardā, Vol. 2. [in Persian]
- . (n.d._b). *Tehrān-e makhoof (Terrible Tehran)*. Tehran: Omid-e-Fardā, Vol. 1. [in Persian]
- Zéraffa, Michel. (1989) *Adabiyāt-e dāstāni: romān va vagheāt-e ejtemā'i (The Novel and Social Reality)*. Tehran: Foroughi. [in Persian]



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.